



فلسفه کیفر حبس در نظام تقنینی معاصر ایران

جهاندار اکبری^۱

محمد آشوری^۲

محمد علی اردبیلی^۳

علی صفاری^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

سلب آزادی به عنوان کیفر در مقایسه با کیفرهای بدنی نظیر سلب حیات، کیفری نسبتاً جدید و در عین حال پرکاربرد محسوب می‌شود. از ابتدای ورود این پدیده به عنوان کیفر در زرادخانه نظام‌های کیفری تا به امروز و در ظاهر امر، همواره اهداف پیامدگرا نظیر اصلاح و بازسازی بزهکار و بازگرداندن او به آغوش جامعه حاکم بوده است. فارغ از میزان موفقیت این کیفر در دستیابی به اهداف مورد نظر، مقاله حاضر سر آن دارد با اتخاذ رویکردی فلسفی اخلاقی از دریچه دو بینش کلان «پیامدگرا» و «وظیفه‌گرا» به طور کلی و فایده‌گرایی و سزاگرایی به طور خاص، از بنیان‌های فلسفی و اخلاقی کیفر حبس پرده بردارد. نتیجه در این فرایند حکایت از وجود رگه‌هایی قوی از سامانه سزاگرایی در کیفر حبس و در عین حال همسویی قوی تر آن با سامانه فایده‌گرایی است.

کلید واژه‌ها

کیفر سلب آزادی، سزاگرایی، فایده‌گرایی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. jahandar.akbari@yahoo.com

^۲ استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول): m-ashouri@srbiau.ac.ir

^۳ استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد مشاور): m-ardebili@sbu.ac.ir

^۴ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد مشاور): alisaffary2020@gmail.com

مقدمه

به تعبیر لئون دوگی جامعه سیاسی متشکل از فرمانروایان با نمایندگی حاکمیت و فرمانبران (مردم) می‌باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۷، ۳). دغدغه طرف نخست حفظ نظم و آرامش و پیگیری اهداف مورد نظر همراه با بقاء خود تقریباً به هر قیمت ممکن و دغدغه طرف دوم ضمن پذیرش برقراری نظم و امنیت و آرامش، حفظ حریم حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی خود می‌باشد. نگرانی که با تقویب بینش‌های لیبرال‌گرای دهه‌های اخیر بسیار پررنگ تر شده است. حاکمیت، اراده خود را تقریباً به صورت یکطرفه با روش‌های گوناگون که نتیجه آن مداخله در محدوده حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد است به نمایش می‌گذارد.

«کیفر» عریان‌ترین و خشن‌ترین شکل این مداخله است. روشی که در دنیای قدیم به دلیل حاکم بودن پیش فرض‌های اخلاقی-فلسفی تکلیف مدار از سوی فرمانبران در برابر فرمانروایان بسیار متداول و در دسترس حاکمیت بوده و به طور سلیقه‌ای به تعیین و اعمال آن اقدام می‌نموده است. حال آنکه در دنیای امروز و با تغییر فضای اخلاقی - سیاسی تکلیف مدار و جایگزینی آن با فضای اخلاقی- سیاسی حق مدار در نتیجه طرح و تقویت بینش‌های لیبرال‌گرا، توسل به آن امری استثنایی و مستلزم ارائه توجیهات اخلاقی- فلسفی معقول و مقبول می‌باشد. کالبدگشایی مباحث اخلاقی و فلسفی نشان از طرح دو بینش کلان «وظیفه‌گرا» و «غایت‌گرا» به عنوان مولدان نظریه‌های «سزاگرایی» و «فایده‌گرایی» در ارتباط با «کیفر» دارد. سزاگرایی با عدالت محوری اخلاقی و رویکردی پیشینه‌گرا بر «سزادهی» و فایده‌گرایی با اتخاذ نگاهی پیامدگرا بر «ارباب و بازدارندگی»، «اصلاح یا بازسازی»، «ناتوان‌سازی» بزهکار در قالب «کیفر» تاکید می‌کنند. (صفاری، ۱۳۹۲، صص ۳۵۶-۳۷۵).

«کیفر» در هر نظام کیفری مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد. متداول‌ترین شکل آن سلب آزادی در قالب «حبس» می‌باشد. مقاله پیش رو با تقسیم بندی مطالب در سه فصل، مفهوم شناسی، سلب آزادی در سامانه‌های سزاگرایی و فایده‌گرایی و نتیجه‌گیری ضمن تبیین مصادیق و روش‌های اجرایی آن در نظام کیفری فعلی ایران به کالبدگشایی فلسفی این کیفر در راستای پرده برداشتن از ماهیت اخلاقی- فلسفی از پنجره دو بینش اخلاقی- فلسفی موصوف و میزان تعلق خاطر آن به هر یک از دو سامانه مزبور با رجوع به آبخ خورهای تقنینی پس از انقلاب تا زمان حاضر که آخرین آن «قانون کاهش مجازات حبس» مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ گام بر می‌دارد.

فصل نخست: مفهوم شناسی

گفتار نخست: فایده‌گرایی^۱

به لحاظ اخلاقی و در مباحث فلسفه اخلاق، فایده‌گرایی یکی از خوانش‌های مهم بینش پیامدگرایی محسوب می‌شود. پیامدگرایان داوری اخلاقی خود نسبت به رفتار را بر مبنای نتایج حاصل از آن رفتار بنا نهاده و معتقدند رفتار درست، رفتاری است که بیش‌ترین فایده را برای نوع بشر به همراه داشته باشد. (رحمتی، ۱۳۹۳، ۲۶). از این بینش تقسیم‌بندی‌های گوناگونی بر مبنای مخاطب، موضوع، قاعده، عمل، محتوای ارزشی، شده است. لیکن فصل مشترک همه آنها اصل طلایی «فایده» یا «منفعت‌گرایی» است. (Duff, 2001, 4) بدین معنی که سعادت و خوشبختی در لذت و منفعت جمعی و قواعد اخلاقی با این پیش فرض جهت داوری‌های اخلاقی تعریف می‌شود، رفتاری که بیشترین لذت و منفعت را برای بیشترین افراد جامعه در پی داشته باشد یک رفتار خوب و به لحاظ اخلاقی قابل پذیرش می‌باشد. (معلمی، ۱۳۹۶، ۱۳۴) این اصل به عنوان اولین و مهمترین ویژگی این نظریه به شمار می‌رود.

از مهم‌ترین خصایص دیگر این بینش می‌توان به اختصار موارد ذیل را برشمرد:

- ماهیت منفعت «خیر» است. البته در خصوص جنس و ماهیت خیر بین فایده‌گرایان اختلاف نظر وجود دارد. در عهد باستان سقراط «خیر» را در کسب «معرفت»، افلاطون علاوه بر کسب معرفت بر کسب «لذت» و بر تطبیق «خیر» با نیازهای طبیعی بشری و رفع آنها تاکید می‌کند (ادواردز، ۱۳۹۲، ۱۵۸)، تفسیری مشابه که توسط بنتام با تاثیرپذیری از کورنایسم در عصر حاضر قرائت شده و مورد جرح و تعدیل شاگرد خود «جان استوارت میل» و گسترده‌تر کردن محتوای «خیر» بر ارزش‌های معنوی در کنار ارزش‌های مادی قرار می‌گیرد.

- قلمرو «نفع». هرچند در ادوار گذشته بین فایده‌گرایان در خصوص مخاطبین «منفعت» اختلاف نظر وجود داشته و از این دریچه خوانش‌های «فایده‌گرایی خودگرایانه»^۲، «فایده‌گرایی همه‌گرایانه»^۳ و «فایده‌گرایی گروه‌گرایانه»^۴ زائیده می‌شود. لیکن امروزه هم بر سودمندی فردی و هم بر سودمندی اجتماعی توأمآ اتفاق نظر وجود دارد. (گودرزی،

^۱ Utilitarianism

^۲ Egoistic Utilitarianism

^۳ Universalistic Utilitarianism

^۴ Altruistic Utilitarianism

۱۳۸۷، ۴۱). در زمینه پیامدهای فردی به نتایج مثبتی که اجرای کیفر برای بزهکار از یکسو در قالب اصلاح و درمان و بازگشت او به آغوش جامعه و از سوی دیگر برای بزه دیده به عنوان قربانی جرم در قالب جبران خسارات مادی و معنوی و آرامش خاطری که از اجرای کیفر به او دست می‌دهد و در زمینه آثار اجتماعی کاهش جرم، پیشگیری از ارتکاب جرم توسط بزهکاران بالقوه و تکرار جرم توسط بزهکار که منجر به حفظ نظم و آرامش بیشتر و کاهش هزینه‌ها و خسارات‌های احتمالی ناشی از ارتکاب جرم و غیره می‌شود قابل توجه بوده و قانونگذار ایرانی به وضوح در کیفر حبس به شرح مباحث آتی بر تحقق آنها تاکید کرده است.

– ماهیت «کیفر». اصل طلایی فایده‌گرایی «منفعت‌گرایی» بوده که مستلزم حداکثرسازی «خیر» و دفع یا حداقل‌سازی «الم و درد» است. از این رو «کیفر» که در ذات خود درد و رنج را به همراه دارد، امری ذاتاً زشت و ناپسند و مردود خواهد بود. بر این اساس به طور ذاتی «کیفر» در تضاد با آموزه‌های فایده‌گرایی است (کاپلتون، ۱۳۸۸، ۳۰). لیکن به دلیل عدم امکان حذف کامل یا اجتناب از آن، فایده‌گرایی نظیر بن‌تام با طرح قاعده «بیشترین سود یا خوشبختی برای بیشترین افراد» توسل به «کیفر» در جایی که منجر به تحقق قاعده مذکور شود را مجاز می‌دانند. (اردبیلی، ۱۳۹۸، ۱۱۴). به دیگر سخن شرناگذاری که استفاده از آن پیشگیری از درد و الم بیشتر و به طریق اولی افزایش امنیت و آرامش و خوشبختی افراد در جامعه را به ارمغان می‌آورد و هنگامی توجیه‌پذیر است که با ملاحظات فایده‌گرایانه اجرای آن در قیاس با عدم اجرای آن نتایج مثبتی در پی داشته و در جهت حداکثر سازی «خیر» و کاهش «شر» عمل نماید. (Lyons, 1972, 340)

– غایت کیفر. از وجوه افتراق و بحث برانگیز میان سزاگرایی و فایده‌گرایی، هدف یا اهدافی است که هر کدام از اجرای کیفر در پی تحقق آن هستند. مهمترین اهداف کیفر در سامانه فایده‌گرایی به شرح ذیل قابل شمارش است:

۱. بازدارندگی^۱
۲. بازپروری^۲
۳. ناتوان‌سازی^۳

^۱ Deterrence
^۲ Rehabilitation
^۳ Incapacitation

بازدارندگی به طور سنتی به عنوان عمده‌ترین نظریه‌ی جایگزین سزاگرایی درک شده است (بروکس، ۱۳۹۵، ۷۰). در مفهوم امروزی به آموزه‌های سزار بکاریا در رساله جرایم مجازات‌ها و جرمی‌بنتام از پایه‌گذاران اصالت سودمندی باز می‌گردد (میرزایی مقدم، ۱۳۸۹، ۱۷۵). پروفیسور ژان پل برودر از اساتید جرم‌شناسی دانشگاه مونترال از بازدارندگی چنین تعریف می‌کند: «قابلیت تولید نتایج پیشگیرانه از طریق تدابیر واکنشی است با وجود این واقعیت که مداخله واکنشی پلیس پس از ارتکاب جرم (یعنی در زمانی که جامعه در پیشگیری شکست خورده است) صورت می‌گیرد» (محمدنسل، ۱۳۸۷، ۱۱۴). به طور معمول هر جا واژه «بازدارندگی» مطرح می‌شود، کاهش جرم یا جرایم از طریق ارباب، ترساندن و به وحشت انداختن به ذهن متبادر می‌شود. خصیصه ارباب انگیزی کیفر از دوران کهن و در قوانین تدوین شده به وضوح قابل مشاهده است. از قوانین حمورابی به‌عنوان کهن‌ترین قانون مدون گرفته تا احکام جزایی مطرح شده در قرآن تقریباً در تمامی متون قانونی ادوار گذشته و حتی در برخی از قوانین جاری کشور از جمله ایران، نوع کیفرها و نحوه اجرای آن‌ها از جمله قصاص نفس و عضو و یا اجرای علنی مجازات‌های اعدام و شلاق و دیگر کیفرها، همگی یا به طور آشکارا و یا به طور ضمنی سعی در ایجاد رعب و وحشت در دو سطح فردی و عمومی هستند (Russ. 2005. 105). بر همین اساس و به واسطه ارتباط مستقیمی که بین «بازدارندگی» از یک سو و «ارباب» از سوی دیگر وجود دارد، در تعامل بین این دو واژه از ارباب خاص که ناظر است بر «بازدارندگی فردی»^۱ و ارباب عام که ناظر است بر «بازدارندگی عمومی»^۲ سخن به میان آورد.

در خصوص کارکرد بازدارندگی کیفر که متکی بر ارباب باشد از سوی دانشمندان حقوق کیفری تردیدها و انتقادات فراوانی مطرح شده است که پرداختن به آن‌ها خارج از آرمان حاکم بر نگارش این مقاله می‌باشد، به اختصار می‌توان به مواردی نظیر سطحی نگری و برخورد قشری با مشکل جرم، انتخاب آسان‌ترین راه در برخورد با جرم، عدم توجه به عوامل واقعی جرم‌زا و سرمایه‌گذاری لازم در جهت کاهش یا رفع آن عوامل به عنوان انتقادات وارد بر این جنبه از بازدارندگی کیفر اشاره نمود. اگر در خصوص ناکارآمدی و شکست بازدارندگی کیفر در اثر ارباب در گذشته و در دوران بکاریا و بنتام تردید وجود داشت، امروزه حقیقت این امیر به اثبات رسیده است (صفاری، ۱۳۹۶، ۷۰).

^۱ Special Deterrence

^۲ General Deterrence

با تمام انتقادات وارده بر جنبه بازدارندگی کیفر که ناشی از ارباب باشد و بی‌شک مطالعات و بررسی‌ها حکایت از ورود این انتقادات دارد، نمی‌توان به طور کامل منکر بازدارندگی کیفر به ویژه بازدارندگی عمومی آن به واسطه ترس بزهکاران احتمالی از شدت و درد و رنج حاصل از کیفر شد. بی‌شک این احساس ترس اگر مانع ارتکاب یا تکرار تمامی جرایم نشود، می‌تواند نسبت به پیشگیری از وقوع برخی از جرایم مؤثر باشد و به همین دلیل نمی‌توان به هنگام کیفرگذاری و تعیین کیفر از این جنبه از کیفر غافل بود.

بازپروری به عنوان دومین هدف پیامدگرا از تعیین و اجرای کیفر به ویژه کیفر سلب آزادی بینشی است که به دنبال اصلاح بزهکاران و کمک به آن‌ها در گذر موفقیت آمیز از فرایند شهروند مجرم به شهروند مطیع قانون با اعمال کیفر می‌باشد. از این رو بازپروری زمانی کامیاب می‌شود که مجرم جرم را از انتخاب هایشان بیرون گذارند (بروکس، ۱۳۹۵، ۷۰). محور اصلی بازپروری بر کیفر حبس از میان انواع کیفرها خلاصه شده و قابل پیگیری است. زیرا بسیاری از کیفرها نظیر اعدام یا حبس ابد، ذاتاً به دنبال بازپروری نیستند بلکه هدف دیگری مشخصاً حذف بزهکار از جامعه را دنبال می‌کنند و برخی دیگر از انواع آن‌ها نیز با اهداف بازپروری یا بیگانه‌یابی در تضاد می‌باشند. نظیر کیفر شلاق. در نتیجه هدف بازپروری در کیفر حبس و یا کیفرهای مشابه و محدودکننده آزادی، قابل مشاهده هستند. تحقق هدف مذکور نسبت به زندانیان به سه شکل قابل تصور است: (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۵۷)

۱. برنامه‌های قابل اجرا در محیط کیفری
۲. برنامه‌های قابل اجرا در بستر اجتماع
۳. برنامه‌های قابل اجرا در مرحله پساکیفری (واقفی، ۱۳۹۰، ۸۵).

مخاطب این تدابیر به طور معمول بزهکارانی هستند که به دلایل مختلف زیستی، روانی و محیطی به طور مستمر به ارتکاب جرم می‌پردازند (نیازپور، ۱۳۸۷، ۲۴). جرم شناسان به این گروه از بزهکاران عناوینی چون بزهکاران مزمن، بزهکاران به عادت، بزهکاران مکرر و بزهکاران مقاوم می‌دهند. علی‌رغم تعداد کم این عده در بین انواع بزهکاران (۵،۵ تا ۶ درصد بزهکاران را شامل می‌شوند) حدود ۵۵ درصد مجموع جرایم ارتكابی متعلق به این اقلیت می‌باشد. جرم شناسی بالینی به طور کلی و بازپروری به طور خاص، این عده از بزهکاران را با هدف بازپروری و اصلاح و درمان، مخاطب خود قرار می‌دهند. بزهکارانی که اصطلاحاً دارای حالت خطرناک بالا و قدرت سازگار پذیری پایین هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۵۷-۱۵۸).

و اما ناتوان سازی به عنوان سومین هدف کیفر در بینش فایده‌گرایی مفهومی نسبتاً جدید است که به دنبال شکست سیاست‌های جنایی اصلاح و درمان بزهکاران مطرح می‌شود. می‌توان آن را به سلب توان انجام جرم یا تکرار رفتار مجرمانه از مجرم یا قرار دادن او در حالتی که توان یا امکان ارتکاب جرم مجدد را نداشته باشد تعریف نمود. واژه «خنثی‌سازی» نیز برای این هدف به کار می‌رود. ناتوان‌سازی بزهکاران با در نظر گرفتن نوع و ماهیت جرم ارتكابی از یک سو و شخصیت و سابقه و بزهکار از سوی دیگر به دو شکل ذیل انجام می‌شود:

۱. ناتوان سازی دائمی که خود به دو نوع کامل و نسبی تقسیم می‌شود.
۲. ناتوان سازی موقتی که خود به دو نوع کامل و نسبی تقسیم می‌شود.

در ناتوان سازی دائمی و کامل، بزهکار به طور دائمی و برای همیشه از ارتکاب تمامی جرایم اعم از جرم ارتكابی و دیگر جرایم مشابه و غیرمشابه به طور مطلق ناتوان و محروم می‌شود. تنها کیفری که این نوع از ناتوان سازی را در اختیار ما قرار می‌دهد «اعدام» است. که در بسیاری از کشورها به دلایل حقوق بشری و غیره از ساختار قوانین جزایی حذف شده است. در ایران همچنان این کیفر به اشکال مختلف به قوت خود باقی است. در ناتوان‌سازی دائمی و نسبی، کیفر به گونه‌ای تعیین و اجرا می‌شود که بزهکار برای همیشه از ارتکاب جرم مورد نظر و یا جرایم مشابه و مرتبط محروم می‌شود. لیکن امکان ارتکاب جرایم دیگر از سوی او وجود خواهد داشت. نظیر عقیم‌سازی مجرمین جنسی و یا قطع اعضاء آن‌ها. در نظام کیفری ایران کیفر عقیم‌سازی وجود ندارد. بارزترین مصداقی که می‌توان برای این نوع از ناتوان سازی نام برد کیفر «حبس دائم» یا «حبس ابد» می‌باشد. البته عقیم‌سازی با روش‌های غیرمستقیم از جمله عقیم نمودن برخی از اقوام و مهاجرین به سبب سلطه‌گری برخی قدرت‌های سیاسی در زمان حاضر نیز اجرا می‌شود. (حجازی، ۱۳۹۲، ۷)

ناتوان‌سازی موقتی و کامل، مجرم برای مدت معین در فضای خاص و معین و محدودی به نحوی نگهداری می‌شود که امکان ارتکاب هیچ جرمی را نداشته باشد. حبس بزهکار به تنهایی در یک فضای محدود و معین به‌نحوی که به هیچ فرد دیگری دسترسی نداشته باشد از مصادیق این نوع از کیفر می‌باشد و اما در ناتوان سازی موقتی و نسبی، ماهیت کیفر به گونه‌ای است که بزهکار از ارتکاب یک یا چند جرم خاص نسبت به تمام یا عده‌ای از افراد محروم می‌کند. حبس بزهکار در زندان به شکل گروهی از مصادیق این نوع از ناتوان‌سازی می‌باشد (فرج الهی، ۱۳۸۹، ۲۴۳).

گفتار دوم: سزاگرایی

سزاگرایی به عنوان اندیشه‌ای پیشینه‌گرا و رویگردان از هر نوع پیامدگرایی با تمرکز بر اصل «وظیفه‌گرایی»^۱ کهن‌ترین بینش در پاسخ به جرم و توجیه کیفر محسوب می‌شود، مجموعه قوانین حمورابی شاهد مثال می‌باشد. (دورانت، ۱۳۹۰، ۲۶۱-۲۶۰). در این بینش سزا دادن مفهومی آمرانه داشته و تاکید می‌کند هر کسی مرتکب جرم (گناه) شد باید سزای عمل خود را ببیند این بینش که بویژه ریشه در تعالیم مذهبی نظیر تورات و انجیل و به طریق اولی اسلام داشته، با تمرکز بر گذشته بزهکار به واسطه رفتار خلافی که مرتکب شده او را مستحق مجازات می‌داند. در واقع بزهکار با ارتکاب جرم به جامعه مدیون شده و تنها راه ادای دین این فرد، کیفری است که تعیین شده و متحمل می‌شود. (کاتینگهام، ۳۶۷، ص ۸۱) در قلمرو فلسفه اخلاق، سزاگرایی منبعث از بینش «وظیفه‌گرایی»^۲ است به این معنی که در مقام داوری نسبت به درستی یا نادرستی رفتار نفس «وظیفه» ملاک است و نه پیامدها و نتایج حاصل از آن، آنگونه که پیامدگران بر آن معتقد هستند. (نیکل، ۱۳۹۲، ص ۳۷). به دیگر سخن وظیفه‌گرایان معتقدند الزام به انجام یا عدم انجام رفتار در نفس رفتار قرار داشته نه اینکه مترتب بر پیامدهای ناشی از آن باشد آنگونه که غایت‌گرایان مطرح می‌کنند (موحدی، ۱۳۹۰، ۲۸). این بینش بر این عقیده است که اوصاف دیگری غیر از پیامدهای مثبت و منفی رفتار وجود دارد که می‌تواند در داوری ما نسبت به درستی یا نادرستی آن رفتار موثر باشد که عموماً در ذات رفتار وجود دارند. نظیر وفای به عهد، اعم از آنکه آن رفتار یک الزام دینی (دستور صادره از طرف خداوند باشد) یا ناشی از توافق و قرارداد اجتماعی (Spielthener, 2005, 219). انسان به هنگام مواجهه با رفتار باید به وظیفه خود بنگرد و در ارزیابی آن رفتار نباید به پیامدهای ناشی از آن توجه کند.

امانوئل کانت به عنوان یک وظیفه‌گرای ناب از نوع عقل‌گرای قاعده‌محور به شمار می‌آید که با توسل به قاعده «امر مطلق»^۳ دومین رکن از ارکان فلسفی سزاگرایی را بنیان می‌نهد. (رستمی، ۱۳۹۱، ۴۶-۳۳). در دیدگاه کانت احکام اخلاقی دارای اعتبار کلی بوده و زمان و مکان در آن راه ندارد و ارزش اخلاقی هنگامی وجود دارد که شخص به حکم تکلیف به آن عمل نماید (اردبیلی، ۱۳۹۸، ۱۰۸) و عمل اخلاقی، عملی است که بر محور اعتقادی انجام می‌شود که این

^۱ Deontology

^۲ Deontology

^۳ Science of duty

اعتقاد خود برگرفته از اصل اطلاق‌گرایی بوده که به واسطه آن به طور منسجم همه افراد متعهد به انجام و رعایت آن ارزش اخلاقی خواهند بود (Jeffri, 1987, 500-532). کانت معتقد است عمل اخلاقی نه تنها باید با «اصل قابل تعمیم»^۱ تطبیق داشته باشد بلکه باید به سبب آن که قابل تعمیم به همگان است انجام شود. این اعتقاد حکایت از این امر دارد که ممکن است عمل اخلاقی از روی تمایل (میل به انجام آن عمل) و یا از روی منافع محتمل (امید کسب منافع) انجام نشود. در رابطه با کیفر کانت بر این باور است که بازدارندگی کیفر و یا خاصیت آن در اعاده نظم اخلاقی مخدوش شده اجتماع به جامعه، هر چند ذات کیفر می‌باشد اما هرگز نباید به عنوان هدف یا غایت از اجرای کیفر در نظر گرفته شود. در هنگام تعیین کیفر، نوع و میزان آن در تناسب با بزه ارتكابی، بدون غایت‌گرایی خاصی «اصل برابری» را به عنوان یک قاعده امر مطلق و یگانه اصلی که تضمین کننده اجرای عدالت است مطرح می‌کند، به موجب این اصل «کیفر» و «بزه ارتكابی» هر یک در دو کفه ترازوی عدالت قرار داده شده و کیفری که برابر با جرم ارتكابی باشد کیفری عادلانه خواهد بود.

((تقدم حق بر خیر)) رکن سوم از ارکان فلسفی بینش سزاگرایی به شمار می‌رود. در ساحت فلسفه اخلاق «خیر» به منفعت جمعی، مصلحت عمومی یا خوشبختی عمومی نسبت به حقوق افراد حتی حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی تعبیر و مقدم دانسته می‌شود. در اخلاق سزاگرا به هنگام تعامل میان «حق» و «خیر» و تقدم و تاخر آنها نسبت به یکدیگر، به واسطه بنیادی بودن مفهوم ارزش «حق»، بی‌شک حق تقدم با این نهاد بوده و نمی‌توان به هر دلیلی حتی خیریت تمامی مردم جامعه، حق را کنار گذاشته و بر تقدم خیر قائل بود. هر فردی حقی غیرقابل خدشه نسبت به عدالت داشته که حتی رفاه جامعه هم نمی‌تواند آن را تحت تاثیر خود قرار بدهد. حقوق تضمین شده با عدالت را نمی‌توان تابع چانه زنی‌های سیاسی یا محاسبات فایده‌گرایانه اجتماعی قرار داد (Rawls, 1999, 4). چه بسا اجرای کیفر «حقی» است که مجرم بر جامعه داشته و جامعه باید این حق را فارغ از نتایج و پیامدهای آن به رسمیت شناخته و همچون سایر حقوق انسانی محترم دانسته و نسبت به اجرای آن جهاد نماید. نه اینکه اجرا یا عدم اجرای آن را تابع شرایط و اوضاع و احوال و پیامدهای حاصل از اجرای آن نماید.

مهمترین خصایص بینش سزاگرایی به شرح ذیل قابل شمارش است:

- عدم توجه سزاگرایی به پیامدهای ناشی از تعیین و اجرای کیفر

^۱ Universalizable principle

«رفتار مجرمانه» ملاک و ضابطه اصلی در تعیین اجرای کیفر فارغ از نتایج و آثار مثبت و منفی آن محسوب می‌شود. (وایت، ۱۳۹۴، ۸۶) هرچند نتایج فردی و اجتماعی حاصل از سیاست کیفری در تعیین و اجرای مجازات قابل توجه و غیرقابل انکار است، لیکن در نگاه این بینش نتایج و پیامدهای مذکور نمی‌تواند برای توجیه مشروعیت کیفر کافی باشد و به عنوان یک «اصل» مورد توجه قرار بگیرد. (جوان جعفری، ۱۳۹۵، ۶۱)

- سزاگرایی به دنبال گرفتن انتقام و تشفی خاطر بزه دیده و بازماندگان نیست. سزاگرایی با اعمال ضوابط شکلی و ماهوی و بهره‌مندی از اصولی چون اصل تناسب میان جرم و کیفر، پذیرش اصل مسؤولیت اخلاقی و تقصیر بزه‌کار در تعیین و اجرای کیفر، خود را از اتهام انتقام جویی مبری می‌سازد (فرج الهی، ۱۳۸۹، ۱۹۸)

- تاکید بر «عدالت استحقاقی»^۱

اصل «عدالت استحقاقی» فصل مشترک تمامی مشرب‌های فکری بینش سزاگرایی به شمار می‌رود. در خوانش کلاسیک از سزاگرایی عدالت استحقاقی در برابری مشهود بین کیفر و جرم ارتكابی در سه سطح «میزان»، «شدت» و «نوع یا جنس» سنجیده می‌شود (Kant, 1999). حال آنکه در قرائت معاصر از این بینش بر اصل «تناسب» بین کیفر و جرم ارتكابی با روش‌های قانونی و قضایی تاکید می‌شود.

- کیفر تنها واکنش مناسب در برابر جرم است.

استفاده از نهادهای جایگزین کیفر در سزاگرایی به‌ویژه در شکل کلاسیک آن، چندان مرسوم نبوده و عقیده بر این است که اعاده نظم اخلاقی مختل شده توسط جرم فقط با واکنش و کیفری از جنس همان جرم امکان‌پذیر خواهد بود (هولمز، ۱۳۸۳، ۸). این ویژگی در راستای ویژگی سوم و پیشین که شرح آن گذشت مطرح شده و از نتایج اجتناب‌ناپذیر اعمال اصل «عدالت استحقاقی» به خصوص در قرائت سنتی آن است.

- معیار سنجش کیفر «رفتار مجرمانه» است نه ویژگی‌های مرتکب جرم.

این تفکر حکم می‌کند که کیفر باید و فقط جرم ارتكابی را ملاک قرار دهد و تشدید آن بر اساس سابقه ارتکاب جرایم پیشین و یا خصایص مرتکب جرم امری اشتباه خواهد بود. (صفاری، ۱۳۹۲، ۱۰۷ و ۱۰۸)

- تاکید بر اصول «ثبات» و «قطعیت» کیفر

^۱ Just desert

به موجب این اصل نه تنها کیفرها باید معین و ثابت باشند بلکه در اجرا نیز باید قاطع و محکم عمل نمایند. کیفر هرچه باشد باید اجرا شود و احتمال عفو و بخشش نباید در آن راه داشته باشد. این اصول که در دوران حاکمیت اندیشه اصلاح و درمان به ویژه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی قرن گذشته و دورانی که از آن به دوره حاکمیت اصل «نامعین» بودن کیفرها یاد می‌شود کم رنگ شده بود با جان گرفتن دوباره بینش سزاگرایی در شکل باز اندیشیده شده آن مجدد مطرح و بر آن تاکید می‌شود. (رایجان اصل، ۱۳۹۰، ۵۲)

از جمع بندی مهمترین خصایصی که در خصوص بینش سزاگرایی با دیدی اخلاقی اشاره شد چنین بر می‌آید که این بینش، اندیشه‌ای پیشینه‌گرا است که با دیدی اخلاقی در تعیین و اجرای کیفرها صرفاً بر رفتار مجرمانه ارتكابی، تمرکز داشته و توجهی به پیامدهای احتمالی مثبت و منفی از اجرای کیفر ندارد. آنچه که مهم است سزاواری بزهکار در برخورداری از اجرای کیفر و تحمیل و تحمل سزای ناشی از آن می‌باشد زیرا عدالت چنین حکم می‌کند و اقتضای ذات آن بر همین پاشنه می‌چرخد. (رستمی تبریزی و غیره، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴) با رویکرد سزادهی بزهکار باید سزای عمل ارتكابی را فارغ از آثار و پیامدهای مثبت و منفی احتمالی بچشد و اینگونه عدالت اخلاقی مورد نظر، جامه عمل به خود می‌گیرد.

گفتار سوم: سلب آزادی (حبس)^۱

برای تبیین معنای «حبس» به واسطه ماهیت خاص این کیفر، ابتدا باید مفهوم زندان به عنوان مکانی که کیفر حبس در آن به نمایش گذاشته می‌شود روشن شود. زندان [ز] (اخ) در لغت به معنای بندیخانه، قیدخانه، حبس، سجن، جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند معنی شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷) و در اصطلاح با بکارگیری دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی بعنوان مجازات و محلی که محکومین به مجازات سالب آزادی در آن نگهداری می‌شوند تعریف می‌شود (صفاری، ۱۳۹۲، ۱۲) در تعریف قانونی زندان به محلی که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی صلاحیت دار برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و یا باز سازگاری نگهداری می‌گردند گفته می‌شود.^۲

^۱ Imprisonment

^۲ ماده ۳ آیین نامه سازمان زندان ها مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰.

بر اساس معانی و تعاریف مذکور می‌توان زندان را به عنوان محلی که برای سپری شدن دوران حبس بزهکاری که محکوم به حبس شده‌اند با هدف حرفه‌آموزی و بازپروری و بازگشت به آغوش جامعه تعریف نمود. در پژوهش حاضر نیز از مفهوم زندان دقیقاً تعریف مذکور مورد نظر می‌باشد. بنابراین با معانی و کاربردهای ثانوی زندان که در برخی منابع حقوقی و قانونی مورد اشاره قرار گرفته نظیر بازداشتگاه به معنای محل نگهداری متهمانی که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند^۱ اجتناب می‌شود. همچنین است تحت نظرگاه که از ابداعات قانونگذار در سالهای اخیر بشمار می‌رود.

الف - پیشینه زندان در ایران

تاکید می‌گردد نظر به اینکه جلوه گاه «حبس کیفر» به عنوان کیفری که سلب آزادی را به همراه دارد در مکانی به نام زندان در اشکال و روش‌های گوناگون محقق می‌شود بناچار با تمرکز بر مفهوم زندان، انواع آن و البته روش‌های اجرای حبس، در راستای اهداف مورد نظر از نگارش مقاله حاضر گام برداشته می‌شود. زندانی کردن بزهکاران به عنوان واکنشی رسمی و متداول جامعه، پیشینه چندان طولانی ندارد. (آشوری، ۱۳۸۲، ۱۲) به لحاظ تاریخی از آنجایی که نظام کیفری ایران برگرفته از اسلام است، همه مورخان و محدثان بر این باورند که در عصر پیامبر اسلام زندان به معنی محل خاصی برای بازداشت مجرمان وجود نداشته است و در قرآن نیز آیاتی که نشان دهد در آن عصر زندان و زندانی وجود داشته مطلقاً دیده نمی‌شود. لیکن از زندان گاهی به طور موردی در خصوص مجرمانی که باید بازداشت شوند تا تکلیف آنها روشن شود از طرق دیگری از جمله موارد ذیل استفاده می‌شده است:

- نگهداری در گوشه‌ای از مسجد
 - نگهداری در دالان خانه که بنایی بود در حد فاصل بین فضای بیرونی و فضای داخلی خانه.
 - نگهداری در خانه‌ها، آنچنان که قرآن می‌گوید زنان بدکار را در خانه‌ها زندانی کنید تا مرگشان فرا رسد.^۲
- نخستین زندان در اسلام در زمان خلیفه دوم عمر بنا شد که با خریدن خانه‌ای در مکه و تبدیل آن به محل نگهداری برخی از افراد قابل توجه می‌باشد. (م. ن. ۱۳۶۴. ۱۴-۱۵)

^۱ ماده ۴ آیین نامه زندان ها مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۵.

در ایران باستان زندان به عنوان مجازات محکومان مرسوم نبوده است و صرفاً در خصوص مدعیان تاج و تخت به جای اعدام، از ساز و کار «قلعه فراموشی» به عنوان محلی برای نگهداری این افراد که عمداً متهم به جرم خیانت به شاه بودند استفاده می‌شده است. (آشوری، ۱۳۸۲، ۱۳) پس از ورود اسلام به ایران نیز که متأثر از آموزه‌های دینی اسلام بوده زندان به مفهوم امروزی رایج نبوده بلکه به نگهداری افراد در مکان‌های موردی و سلیقه‌ای بدون وجود دسته بندی علمی و دقیق بسنده می‌شده است. این وضعیت تا دوره قاجار ادامه داشته است. هرچند از دوره قاجار هم درباره زندان اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. لیکن از لابلای کتاب‌ها و خاطرات افراد می‌توان دو نوع زندان را از یکدیگر بازشناخت: یکی به نام انبار که زندان دزدان و جانیان و غیره بوده و دیگری زندان سیاسی که زندانیان سیاسی را برای انجام دادن تحقیق غالباً در خانه حکمران یا رئیس نظمی نگهداری می‌کردند و چون تحقیق تمام می‌شد به یکی از قلاع می‌فرستادند. (ربیعی، ۱۳۹۰، ۳۱). کارلا سرنای ایتالیایی در قسمتی از سفرنامه خود به ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار نقل می‌کند که «... من در خانه‌های شخصی تهران زندان‌هایی دیده و شاهد صحنه‌هایی بوده‌ام که اگر آن‌ها را نقل کنم به گزافه‌گویی و کتمان حقیقت متهم خواهم شد. زندان‌ها اقسام مختلف دارند، اما شرایط همگی رقت انگیز است. اکثر زندان‌ها خصوصی و در خانه اعیان و مالکان بزرگ است. یک شخصیت والا اگر در خانه خود زندانی نداشته باشد و در برخی موارد شخصاً اجرای عدالت نکند مادون طبقه خویش قرار گرفته است. در نتیجه هر صاحب مقامی مدعی است که حق دارد در خانه خود و تحت نظارت نوکران خویش مجرمان را به چوب ببندد و زندانی کند. این حق در همه جای کشور شناخته شده است و اجحافی واقعی است که بر اثر کثرت استعمال، تحمل آن بر ضعفا دشوار نیست». (کارلا، ۱۳۶۳، ۱۳۱-۱۳۳)

بی‌نظمی و آشفتگی وضعیت غالب در زندان‌هایی ایران تا پایان دوره قاجار محسوب می‌شود. هرچند در این دوره به ویژه در اواخر آن بعضاً مجموعه قوانین و دستورالعمل‌هایی نیز تهیه و تدوین شده بود که میزان حبس را برای جرایم مشخص می‌کرد لیکن در عمل کاربردی نداشت. از جمله این مجموعه قوانین می‌توان به کتابچه قانونی کنت اشاره کرد. این کتابچه که توسط کنت دومونت فرت ایتالیایی که توسط ناصرالدین شاه به استخدام دولت ایران در آمده بود تهیه و ۵۸ ماده داشت و در مقدمه خود چند نکته درباره پلیس و نحوه رسیدگی به قتل و مجازات توطئه بر ضد پادشاه و دولت اشاره می‌کرد (ربیعی، ۱۳۹۰، ۳۱). در عصر پهلوی و با روی کار آمدن رضا شاه تغییرات و تحولاتی عمیق و شگرف در عرصه‌های مختلف از جمله در دستگاه

قضایی کشور با سرپرستی و وزارت علی اکبر داور ایجاد گردید. افتتاح عدلیه جدید در ۱۳۰۶/۲/۱۵ از جمله این اقدامات است.

ب- انواع زندان در ایران

در منابع علمی از زندان طبقه‌بندی‌های گوناگونی با استفاده از معیارهای متفاوت شده است. از جمله تقسیم زندان بر حسب گروه‌های زندانیان که به طور معمول به زندان زنان و مردان و یا زندان مجرمین حرفه‌ای و زندان مجرمین جوان و تازه کار می‌توان اشاره نمود. در تقسیم‌بندی دیگری زندان بر اساس معیار موجبات زندانی شدن به زندان احتیاطی (محل نگهداری متهم به منظور دسترسی به او و یا پیشگیری از انحراف مسیر تحقیقات)، زندان اکتشافی (استبرائی) محلی که برای نگهداری کسی بکار می‌رود که مدیون است و حال او از نظر تمکن و ناداری مشخص نیست، زندان حقوقی که برای نگهداری شخصی به منظور اخذ یک حق از او که هم شامل حقوق عمومی بوده و هم شامل حقوق خصوصی، زندان جنایی به عنوان محلی برای گزران دوران محکومیت فرد به حبس، به عنوان مجازات جرمی که مرتکب شده است. (صفاری. ۱۳۹۲. ۱۳۲-۱۳۳).

به‌منظور شناسایی انواع زندان در نظام کیفری ایران باید به قوانین مربوطه به ویژه آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ و اصلاحیه‌های بعدی آن و آیین‌نامه‌های بازداشت گاه‌های امنیتی و آیین‌نامه بازداشتگاه‌های موقت هر دو مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰ و آیین‌نامه بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ مراجعه نمود. لیکن از آنجایی که محور اصلی مباحث مطروحه در پژوهش حاضر زندان جنایی به عنوان محلی برای سپری کردن حبس به عنوان کیفر، مورد نظر است از این رو از ورود عمیق به مباحث مربوط به بازداشتگاه‌ها اجتناب کرده صرفاً به ذکر عناوین آنها بسنده می‌شود.

در نظام کیفری فعلی ایران چهار نوع بازداشتگاه وجود دارد:

- ۱- بازداشتگاه امنیتی: محل نگهداری متهمانی است که به دلایل امنیتی و نظامی با قرار کتبی تا اتخاذ تصمیم نهایی نگهداری می‌شوند. این محل تحت نظارت سازمان زندان‌ها است.^۱
- ۲- بازداشتگاه موقت: محل نگهداری متهمانی است که با صدور قرار تامین (بازداشت موقت) و یا عجز از معرفی کفیل و وثیقه‌گذار بازداشت می‌شوند.^۲

^۱ ماده یک آیین‌نامه نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰.

^۲ مواد یک و دو آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰

۳- بازداشتگاه عمومی: محل نگهداری متهمینی غیر از اشخاص زیر ۱۸ سال تمام که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند و متهمین مواد مخدر و اعتیاد که در اردوگاه پذیرش می‌شوند می‌باشد.^۱

۴- بازداشتگاه‌های انتظامی و تحت نظرگاه: بازداشتگاه‌های مناقشه برانگیزی است که برخی از حقوق‌دندانان تاسیس آنها را معیار قوانین سابق که تاسیس و اداره تمامی بازداشتگاهها صرفاً زیر نظر سازمان زندان‌ها مجاز دانسته شده، تفسیر می‌کنند. زیرا بازداشتگاه مذکور تنها بازداشتگاهی است که از محدوده نظارت سازمان زندانها خارج و تحت نظر نیروی انتظامی است و به طور معمول عمده بازداشت‌های بحث برانگیز و حوادث تاسف بار از جمله قتل ستار بهشتی در این بازداشتگاه به وقوع می‌پیوندد. این بازداشتگاه بر اساس آیین نامه بازداشتگاه‌های انتظامی تحت نظرگاه مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ تاسیس گردیده است.

۱- انواع زندان در آیین نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴

بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ زندان در معنای اخص آن به سه نوع کلی ذیل تقسیم می‌شود:

الف- انواع زندان بر مبنای فرد زندانی

- ۱- اردوگاه (موسسه حرفه آموزشی و کاردرمانی)^۲: محلی جهت نگهداری محکومین و متهمین جرایم مواد مخدر و اعتیاد به منظور ترک اعتیاد، آموزش حرفه و شغلی جهت امرار و معاش و کسب درآمد در آینده پس از آزادی است که به وضوح خصیصه پیامدگرایانه دارد.
- ۲- کانون اصلاح و تربیت:^۳ این نوع از زندان خود دارای سه قسمت اصلی بازداشتگاه کانون به منظور نگهداری نوجوانان و جوانان توقیف شده یا تحت قرار و بلاتکلیف است، زندان جهت نگهداری نوجوانان و جوانان محکوم به حبس و قسمت آموزشی، قسمتی از کانون که با هدف نگهداری کسانی است که به عنوان محکومیت به نگهداری در کانون جهت طی کردن دوره‌های آموزشی یا طبق نظر و صلاحدید مقامات داخلی کانون نگهداری در این محل مناسب تشخیص داده شود. از وصفی که برای عنوان کانون در قالب «اصلاح و تربیت» به کار گرفته شده، آشکارا اهداف فایده‌گرایانه ناظر بر اصلاح و تربیت مجدد محکوم به اقامت در کانون قابل مشاهده است.

^۱ ماده ۴ آیین نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴.

^۲ ماده ۱۲ آیین نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴.

^۳ ماده ۱۷ آیین نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴.

۳- مراکز اقدامات تامینی و تربیتی و سایر موسسات مشابه وابسته به زندان^۱ محل‌هایی هستند که در آنجا متهمان و محکومان قبل و بعد، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می‌شوند. در واقع هدف، خنثی‌سازی حالت خطرناک به عنوان بینشی پیامدگرایانه است.

شایان ذکر است هر سه نوع زندان مذکور زندان به معنای خاص کلمه نمی‌تواند محسوب شود زیرا به دلایلی نظیر اجتناب از شبهه برخورد کیفری صرف با برخی از محکومین مثل معتادین یا نوجوانان و به طور همزمان نشان دادن برخورد متفاوت حکومت با برخی از مجرمین خاص نظیر جرایم مرتبط با مواد مخدر مانع از ورود این نوع از مکان‌ها در قلمرو زندان به معنای خاص می‌شود. لیکن از آنجا که به هر حال موجب سلب و محدود کردن آزادی افراد می‌شود و در تقسیم‌بندی زندان در ماده ۳ آیین نامه سازمان زندان‌ها به شرحی که گذشت از مصادیق انواع زندان آمده است جزء تقسیم بندی‌های زندان محسوب می‌شود. (صفاری، ۱۳۹۲، ۱۵۱).

۴- زندان محکومین

محل است برای نگهداری محکومین به حبس و یا محکومان مالی که بر اساس جنسیت زندانیان به دو نوع زندان زنان و مردان تقسیم می‌شود.

ب- انواع زندان بر مبنای معیارهای امنیتی

بر اساس ماده ۵ آیین نامه سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۴ بر اساس معیارهای امنیتی زندان به دو نوع زندان بسته و مراکز حرفه آموزشی و اشتغال تقسیم می‌شود.

۱- زندان بسته

زندان بسته محلی است که دارای حفاظ و حصار بوده و پوسته داخلی و خارجی آن توسط برج‌های دیده بانی و مامورین مسلح پاسداری می‌شود. ورود و خروج در این زندان چه برای زندانیان و چه برای کارمندان زندان با رعایت ضوابط امنیتی امکان‌پذیر می‌باشد. به طور معمول محکوم به حبس شب‌ها در خوابگاه‌های اختصاصی یا گروهی و روزها را در مراکز آموزشی و تفریحی سپری می‌کند.^۲ بدترین و تلخ‌ترین نوع زندان، زندان بسته است. محلی با محدودیت‌های

^۱ ماده ۱۴ آیین نامه سازمان زندان ها مصوب ۱۳۸۴.

^۲ ماده ۶ آیین نامه سازمان زندان ها مصوب ۱۳۸۴.

شدید برای فرد زندانی. پایین بودن سطح امکانات اولیه از جمله فضا و تخت کافی، عدم تغذیه و بهداشت مناسب، ازدحام و شلوغی زیاد، سختی اوضاع را چندبرابر می‌کند. چنین وضعیتی هرچه قوی‌تر باشد به همان نسبت جنبه‌های سزادهی حبس (زندانی) نیز پررنگ‌تر خواهد بود.

۲- مراکز حرفه آموزشی و اشتغال

این مراکز به لحاظ امنیتی در سطحی پایین‌تر از زندان‌های بسته قرار دارد و محلی است به منظور حرفه آموزشی و اشتغال که می‌تواند محصور باشد و یا بدون حصار و یا در حالتی بینابین اداره شود.^۱ به طور معمول افرادی در این نوع از زندان نگهداری می‌شوند که نسبت به دیگران دارای کیفر پایین تری بوده و نیازی به سختگیری زیاد و مراقبت‌های امنیتی ندارند (صفاری، ۱۳۹۲، ۱۵۸). در عین حال دارای سطح پایین تری از حالت خطرناک توأم با استعداد آموزش و یادگیری و مستعد در اصلاح و بازپروری و قابلیت بازگشت به جامعه در زمان نسبتاً کوتاه می‌باشند. در اطراف برخی از زندان‌ها نظیر زندان قزل حصار کرج مراکز کشاورزی و دامداری که با فعالیت زندانیان اداره می‌شود قابل مشاهده بوده و از مصادیق این نوع از زندانیان به شمار می‌رود. حضور زندانی در مراکز آموزشی و تفریحی به منظور اصلاح و تربیت مجدد فرد زندانی به عنوان هدف نخست و پیشگیری از ارتکاب جرم در آینده به عنوان ثانویه به وضوح نمایانگر آموزه‌های فایده‌گرایانه می‌باشد.

۲- انواع زندان در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون مذکور انواع زندان را به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند:

- زندان بسته
- زندان نیمه باز
- مراکز حرفه آموزشی و اشتغال
- مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی

در ماده ۵ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ به جز زندان نیمه‌باز سه نوع زندان دیگر مطرح که در مباحث پیشین مورد تبیین قرار گرفت. در قانون جدید زندان نیمه باز به عنوان یک زندان جدید بدون ارائه تعریف و ضوابط دقیق و مشخص و شرایط پذیرش در آن پیش بینی شده

^۱ ماده ۷ آیین‌نامه سازمان زندانهای مصوب ۱۳۸۴.

است. جالب آنکه این نقص سال‌ها پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری به موجب آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی در سال ۱۳۸۹ جبران شده است.

بر این اساس زندان نیمه باز، زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانیان بطور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقب بدون اسلحه بکار اعزام می‌گردند و سپس در خاتمه کار مجدداً به آسایشگاههای خود عودت داده می‌شوند.^۱ از بین زندانیان تنها زندانیانی که در یکی از گروه‌های ذیل قرار بگیرند قادر به حضور در زندان نیمه باز خواهند بود:

الف- محکومین جرائم غیر عمدی

ب- محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر حبس می‌کنند.

ج- محکومین مالی موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

د- محکومین به حبس در جرائم عمدی با شرایط زیر:

۱- محکومین به حبس تعزیری تا دو سال

۲- محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱/۱۰ از مدت محکومیت در زندان بسته

۳- محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد بشرط تحمل دو سال از مدت محکومیت در زندان بسته^۲

در اصلاحات آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها به سال ۱۳۸۹ از زندان بسته و مراکز حرفه آموزشی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی و افراد واجد شرایط در ورود به هر یک از زندان‌های مذکور مباحث تفصیلی تری آمده است که در ادامه به تحلیل نکات مهم و مرتبط که در مباحث پیشین مورد بحث قرار نگرفته، پرداخته می‌شود.

- زندان بسته

^۱ ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ و اصلاحات ۱۳۸۹
^۲ ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ و اصلاحات ۱۳۸۹

در تبصره ماده ۶ آیین نامه سال ۱۳۸۹ برای زندانیان مستقر در این زندان علی‌رغم آنکه دوره‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای و تفریحی و کارگاه‌های مرتبط با دوره‌های مذکور برگزار می‌گردد، همسویی آن با آموزه‌های سزاگرایی به دلیل بالا بودن جنبه سزادهی به شرح مباحث پیش گفته بسیار پررنگ تر می‌باشد.

- زندان باز

محلی است بدون حفاظت و مامور مراقب که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می‌گذراند و حق خروج از زندان را نداشته و شب‌ها در نزدیک‌ترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده است استراحت می‌نماید.^۱

این زندان به لحاظ ساختار بسیار مشابه مراکز حرفه آموزشی و آموزش و اشتغال است که در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ مطرح گردید. لیکن با اصلاحات آیین نامه مذکور زندان به طور کلی و به لحاظ امنیتی سه نوع بسته، نیمه باز و باز تقسیم گردید. در هر سه نوع از زندان مذکور ارائه دوره‌های آموزشی و حرفه آموزشی و کارگاهی تحت شرایط خاص و حاکم به هر یک از انواع زندان‌ها موصوف اعمال می‌شود. زندان باز به لحاظ امنیتی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. همین ویژگی از یک سو و آزادی بیشتر زندانی در تعامل با محیط پیرامون و حتی خارج از زندان و بهره مندی از امکانات و رفاه بیشتر منجر به کمرنگ تر شدن جنبه‌های سزادهی زندان (حبس) و به همان نسبت چیره شدن اوصاف فایده گرایانه آن می‌باشد. از بین زندانیان افرادی که دارای شرایط ذیل باشند در آن محل نگهداری خواهند شد:^۲

الف- محکومین به جرایم غیر عمدی

ب- محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر حبس می‌کنند.

ج- محکومین مالی موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

د- محکومین به حبس در جرایم عمدی با شرایط زیر:

۱- محکومین به حبس‌های تعزیری تا دو سال پس از گذراندن ۱/۴ از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز

^۱ ماده ۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور ۱۳۸۹

^۲ ماده ۱۰ همان آیین نامه

- ۲- محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱/۵ از مدت محکومیت در یکی از زندان‌های بسته یا نیمه باز
- ۳- محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد به شرط تحمل ۴ سال از مدت محکومیت در یکی از زندان‌های بسته یا باز

- مجتمع حرفه آموزشی و کاردرمانی (اردوگاه)

محلی است برای نگهداری متهمین و محکومین جرائم مخدر و اعتیاد.^۱ در اصلاحات سال ۱۳۸۹ محل نگهداری متهمین و محکومین به جرائم مواد مخدر و اعتیاد متفاوت از محل نگهداری سایر زندانیان می‌باشد، اقدامی اصلاحی و قابل قبول است. لیکن همچنان نگهداری متهمین به مواد مخدر که ممکن است اعتیاد به مواد مخدر نداشته باشند در کنار معتادین می‌تواند آسیب‌زننده باشد. به‌نوعی جمع‌کردن فروشندگان و مشتریان یک محصول در یک مکان می‌تواند کمک به ترویج و رونق این بازار در بین ایشان شود.

- مراکز اقدامات تامینی و تربیتی

این مراکز بر تمرکز بر افراد دارای حالت خطرناک نسبت به نگهداری متهمین و محکومین قبل و بعد یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالت مذکور اقدام می‌کنند.^۲ حالت خطرناک وضعیتی از فرد متهم و یا محکوم است که نشان از احتمال ارتکاب جرم در آینده را نوید می‌دهد. در جرم‌شناسی بالینی حالت خطرناک به حالتی که بر اثر اقتران عوامل جرم‌زا (عوامل فردی- عوامل اجتماعی) و تاثیر آن در یک فرد معین به نحوی که او را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد تعریف می‌شود (صلاحی، ۱۳۹۵، ۶۶). درمان این وضعیت در فرد برابر است با کاهش یا پیشگیری از ارتکاب جرم توسط او در آینده و در دورانی پس از آزادی، هدفی پیامدگرایانه که به دنبال کسب فوایدی بیشتر برای جامعه است.

فصل دوم: زندان در پرتو سامانه‌های فایده‌گرایی و سزاگرایی

زندان از جمله کیفرهای تعزیری محسوب می‌شود، از این رو خواه ناخواه آباستن اهداف کلی حاکم بر کیفرهای مذکور است. با تمرکز بر منابع قانونی کیفر حبس به ویژه آیین‌نامه اجرایی

^۱ ماده ۱۴ همان آیین‌نامه.

^۲ ماده ۱۶ همان آیین‌نامه.

سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۹ مهم‌ترین اهداف مورد نظر از زندانی کردن مجرمین و تعامل آنها با بینش‌های سزاگرایی و فایده‌گرایی مورد مباحثه قرار می‌گیرد.

گفتار نخست: فایده‌گرا بودن حبس

در بند پنجم از اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است. در راستای تحقق وظیفه مذکور اتخاذ سیاست‌های اصلاحی و درمانی بزهکاران به طور معمول در متداول‌ترین نوع کیفر که برای اکثریت مصادیق رفتارهای مجرمانه یعنی «حبس» از سوی قوه قضائیه با تهیه لوايح و تصویب آیین‌نامه‌های متعدد به ویژه در سال‌های اخیر در دستور کار بوده است. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ ضمن تکرار بسیاری از ضوابط آیین‌نامه سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۴ به اصلاح آن و تعیین وظایف و اهداف مهم سازمان از زندانی کردن افراد اشاره می‌کند برخی از موادی که مرتبط با برنامه‌های اصلاحی و بازپروانه و درمانی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

- در ماده ۲۰ آیین‌نامه مذکور وظایف و اهداف کلی سازمان لیست شده است در برخی از

بندهای آن به صراحت بر اهداف پیامدگراانه ناظر بر بازپروری و اصلاح و درمان محبوسین حکم انگاری شده است.

- بند ز: ایجاد زندانها، بازداشتگاهها و موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر موسسات لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه آموزشی و اشتغال به کار متهمین و محکومین.

- بند زز: ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور انجام امور فرهنگی و تربیتی اعم از اصلاح، ارشاد و آموزش زندانیان.

- انجام روان درمانی توسط روانشناسان با همکاری متخصصین مربوطه از جمله مددکاران، «روانشناسان زندان موظفند با همکاری مددکاران و بخش معاونت امور فرهنگی و تربیتی و ملاحظه پرونده شخصیتی زندانیان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاریهای روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم برای ایجاد سازگاری و عندالزوم درمان آنان بعمل آورند»^۱.

^۱ ماده ۳۸ آیین اجرایی سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۹.

- تدوین و تهیه پرونده شخصیت

پرونده شخصیت به پرونده‌ای اطلاق می‌شود که در کنار پرونده کیفری تشکیل می‌شود و مشتمل بر اطلاعاتی از وضعیت عمومی و خاص مجرم مانند شرایط روانی، خانوادگی، تحصیل و اجتماعی است و هدف آن سوق دادن متولیان عدالت کیفری به سوی گزینش روش‌های مناسب بالینی و اتخاذ تدابیر مناسب کیفری با هدف اصلاح و درمان بزهکار. (شاملو، ۱۳۹۰، ۹۰-۹۱).

قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تشکیل این پرونده در خصوص جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است^۱ و در جرایم تعزیری درجه پنج و شش که مرتکب آنها از اطفال و نوجوانان باشد^۲ را مقرر کرده است.

در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها بدون اشاره به نوع جرم و یا وضعیت و جنس و سن زندانیان. به طور کلی بر تشکیل پرونده شخصیت در قسمتی از زندان که به همین نام شناخته می‌شود با استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصین مربوطه تاکید شده است.^۳ این امر حکایت از اهداف اصلاحی و درمانی زندان در راستای اهداف کلی ذکر شده مذکور دارد.

- تنظیم برنامه‌های متنوع روزانه برای زندانیان، از جمله برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و دینی در جهت اصلاح و بازپروری زندانیان. انجام فرائض دینی، ورزش اجباری صبحگاهی، شرکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های مربوطه، سواد آموزی و پرورش فکر و استعداد‌های نهفته زندانیان.^۴

- آماده سازی زندانیان برای خروج از زندان از طریق تدابیر و کمک‌هایی که از سوی مسئولین مربوطه به ویژه مددکاران در جهت ایجاد روابط حسنه با خانواده و تحکیم مبانی آن که منجر به ثمر بخش شدن تدابیر اصلاحی و درمانی اعلام شده در طول دوران حبس و دست آخر بازگشت موفقیت آمیز زندانی به جامعه و بازپذیری او از سوی خانواده و اجتماع

^۱ ماده ۳۸ آیین اجرایی سازمان زندانها مصوب ۱۳۸۹.

^۲ ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک.

^۳ ماده ۵۹، آیین نامه اصلاحی .

^۴ مواد ۷۰ و ۱۱۸ و ۱۳۱ آیین نامه اصلاحی

پیرامون می‌گردد. دادن مرخصی‌های متناوب از جمله ابزارهای در دسترس در این خصوص بوده که مانع از قطع کامل ارتباط زندانی با اجتماع می‌شود.^۱

تمامی اهداف مذکور که به طور کلی در بخشی از ماده ۳ آیین نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ و اصلاحیه آن ذکر گردیده و ناظر است بر اصلاح و تربیت، بازسازی و بازپروری محکومین به حبس به دلیل همسویی با اهداف حاکم بر اجرای کیفر در بینش پیامدگرایی که در مباحث پیشین گذشت می‌توان این کیفر را پیامدگرا محسوب نمود. به ویژه آنکه با حبس بزهکار برای ابد یا موقت، منجر به ناتوان سازی دائمی و یا موقت او و در عین حال در موارد نادر مطلق (در زندان انفرادی) و به طور معمول نسبی به شرحی که گذشت می‌شود. نیک آشکار است که سلب توان از مصادیق بارز اهداف کیفر در ساز و کار بینش مذکور می‌باشد (قویدل. ۱۳۸۹. ۳۰).

گفتار دوم: سزاگرا بودن حبس:

سوال مهم در وجود میزان همسویی کیفر حبس با آموزه‌های پیشینه‌گرایی است. آیا در ماهیت کیفر حبس علی‌رغم وجود اهداف و تفکرات پیامدگرایانه می‌توان آثار و نشانه‌های سزاگرایی را مشاهده نمود؟ چه کسی است که از زندان و کیفر حبس گریزان نباشد؟! دلیل این گریزانی، تخریب و سزایی است که در ذات چنین کیفری نهفته است.

ماده ۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها در کنار اهداف تربیتی و اصلاحی بر «تحمیل کیفر» تاکید می‌کند. این امر حکایت از دید سزادهی در اعمال و اجرای کیفر حبس است. کیفر حبس به لحاظ ماهیت سلب آزادی که دارد قادر به عملی کردن خصایص سزاگرایی در خوانش کلاسیک آن که ناظر بر برابری مشهود بین جرم ارتكابی با کیفر اعمالی در سه سطح «جنس (نوع)، میزان و شدت» است نمی‌باشد. لیکن به دلیل محدودیت یا؛ آزار روحی و تا اندازه‌ای جسمی که ذات این نوع از کیفر است جنبه سزادهی در آن ملموس و قابل مشاهده است. (صفاری. ۱۳۹۲. ۱۲۴) به ویژه نسبت به کسانی که با توجه به وضعیت شخصیتی و اجتماعی که دارند کیفر حبس بسیار رنج آور و آزاردهنده است.

رسواکنندی و سلب اعتبار و آبرو و حیثیت از بزهکار محکوم به حبس که در ذات خود همانند کیفر انتشار حکم محکومیت، جنبه آزاردهی را یدک می‌کشد. دلیل دیگری بر سزاگرا و

^۱ مواد ۲۱۳ و ۲۲۲ همان قانون.

سزاده بودن این کیفر است. آن هنگام که شخصی به زندان محکوم می‌شود، لکه ننگ چنین وضعیتی به عنوان سابقه رفتاری او بر پیشانی وی نقش می‌بندد. تا جایی که پس از اتمام دوران حبس و آزادی از زندان نیز همچنان از درد و رنج مذکور بهره‌مند می‌باشد. در مواردی این آزار روحی به حدی است که می‌توان مجازات واقعی او را پس از زندان و در بین مردم و با رفتار و واکنش‌هایی که مردم نسبت به او اختیار می‌کند تعبیر نمود. از این رو بزهدار با نوعی واکنش شبیه به کمان جامعه در نتیجه سابقه محکومیت به زندان مواجه می‌شود که به شدت آزار دهنده و تلخ است (بلوک. ۱۳۸۲. ۱۷).

فصل سوم: نتیجه‌گیری

از برآیند اهداف ذکر شده از اجرای کیفر در منابع قانونی که شرح آن گذشت و به صراحت نیز بر آن تاکید شده، بر فرض موفقیت آمیز بودن این کیفر در تحقق اهداف موصوف به ویژه اهداف اصلاحی و بازپروری و تربیتی و اغماض در ایرادات و انتقادات واراده بر آن از سوی جرم‌شناسان و کیفرشناسان و تردیدهایی که در این خصوص مستند به آمارها وارد شده است، در چارچوب منابع قانونی موصوف توفیق با جنبه‌های فایده‌گرایانه این کیفر نسبت به جنبه‌های سزاگرایانه آن است. به ویژه با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که نمایانگر آخرین بینش و اراده قانون‌گذار ایرانی در خصوص کیفر حبس و کاهش جنبه‌های سزادهی آن می‌باشد. همان‌طور که از عنوان این قانون پیداست، قانونگذار به دنبال کاهش مجازات حبس بخش عمده‌ای از جرایم تعزیری است. توسعه قلمرو مجازات‌های جایگزین حبس^۱، تقلیل یا تبدیل کیفر حبس^۲، کاهش دوران حبس برای استفاده از آزادی مشروط^۳، بازنگری در نوع و میزان جرایم قابل گذشت و حداقل و حداکثر میزان حبس و تقلیل آنها به نصف در جرایم تعزیری درجه ۴ تا ۸^۴ و اتخاذ رویکرد ملایم‌تر در فروز تعدد و تکرار جرم در این زمینه قابل توجه می‌باشد.

البته به دلیل آزارهای روحی و تا حدی جسمی و رسواکنندگی این کیفر بر حسب اوضاع و احوال و ویژگی‌های شخصیتی و فردی و جایگاه اجتماعی افراد نسبت به زندانیان در دوران حبس

۱ ماده ۱۰ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر اصلاح ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی
۲ ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر اصلاح ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی
۳ ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر اصلاح ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی
۴ ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی

و تا اندازه‌ای پس آزادی وارد می‌کند و میزان این صدمات و فشارها نیز به قدری شدید بوده تا جایی که ادامه زندگی برای فرد پس از آزادی را نیز مشکل و غیرممکن می‌کند، نمی‌توان از جنبه سزادهی و سزاگرا بودن این کیفر غافل شد.

کارکردهای منفی زندان نظیر تشدید رفتارهای خشونت آمیز، خودکشی، قتل، ناامیدی و انزوای تقویت همبستگی برخی از بزهکاران و تشکیل و توسعه باندهای تبهکارانه از یکسو، (محسنی، ۱۳۸۷، ۴) پایین بودن استانداردهای لازم جهانی در زمینه‌های گوناگون از جمله بهداشت و درمان، ضعیف شدن اعتقادات مذهبی و اخلاقی و تمایل به همجنس بازی و یا تجاوز به عنف در میان زندانیان اعم از زنان و مردان، (گودرزی، ۱۳۸۴، ۳۳) و بسیاری دیگر از مشکلات حاکم بر زندان‌ها به ویژه در زندان‌های ایران که به دلیل کمبود فضای مناسب و بالا بودن جمعیت کیفری زندانیان که بارها از سوی مسئولین نیز مورد تأیید قرار گرفته به نحوی که بسیاری از زندانیان نه تنها تختی برای خوابیدن در اختیار ندارند بلکه شب‌ها مجبور به خوابیدن در راهروها و مکانهای تنگ به صورت گروهی می‌شوند مشهود می‌باشد، سختی و مشکلات و آزارهای روحی و جسمی زندان را چندبرابر می‌کند که به همان میزان رنگ و بوی سزادهی آن نسبت به آموزه‌های اصلاحی و درمانی پررنگ تر می‌گردد.

نگاهی اجمالی به وضعیت زندان‌ها و تعداد زندانیان و نسبت این دو با یکدیگر آشکارا حکایت از اوضاع اسف بار زندان‌ها و زندانیان دارد. آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای رسمی (سازمان زندان‌ها) به شرح ذیل قابل توجه می‌باشد:

تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۴	۲۲۴ هزار نفر
تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۵	۲۱۷ هزار نفر
تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۶	۲۲۴ هزار نفر
تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۷	۲۵۱ هزار نفر
تعداد زندانیان در سال ۱۳۹۸	۱۸۹ هزار نفر

به گفته رئیس سازمان زندان‌ها آقای اصغر جهانگیری ظرفیت کل زندان‌های کشور ۸۵ هزار نفر می‌باشد حال آنکه بر اساس آمار ارائه شده مذکور جمعیت حاضر در زندانها دو برابر و نیم ظرفیت واقعی زندان‌ها می‌باشد. (محمدی، ۱۳۹۸، ۱) چنین نسبتی برابر با سختی بیشتر برای

زندانیان در طی کردن و تحمل دوران حبس و به طریق اولی پررنگ تر شدن جنبه سزادهی این کیفر در نظام کیفری ایران می‌باشد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ نخست، نشر گرایش، تهران.
۲. ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۱، «بازپروری عادلانه مجرمان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، تهران، شماره ۳.
۳. ادواردز، ویراسته پل، بروچرت، دونالد ام، ۱۳۹۲، دانشنامه فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء... رحمتی، چاپ نخست، نشر سوفیا، تهران.
۴. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۸، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجاه و هشتم، نشر میزان، تهران.
۵. بروکس، تام، ۱۳۹۵، کتاب «مجازات»، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۶. بولک، برنارد، ۱۳۹۱، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.
۷. پایگاه خبری تحلیل انتخاب (Entekhab.ir). ۱۳۹۰/۰۵/۰۱.
۸. جوان جعفری، عبدالرضا، آلاشتی، زهرا، ساداتی، سید محمد جواد، ۱۳۹۵، مقاله «بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم.
۹. حجازی، محمدعلی. بداعی، فاطمه، ۱۳۹۲، «جرم عقیم‌سازی و مجازات آن»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۶، شماره ۶۲.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، جلد ۱۲، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. رایجان اصل، مهرداد، میرمجیدی، سپیده، ۱۳۹۰، مقاله «جلوه‌هایی از آموزه نئوکلاسیسم نوین در سیاست جنایی»، فصل نامه دیده‌های حقوق قضایی، شماره ۵۴، تهران.
۱۲. ربیعی، ناصر، راهرو خواجه، احمد، ۱۳۹۰، تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس.
۱۳. رستمی تبریزی، لمیاد، زارع، محمد کاظم، ۱۳۹۳، مقاله «تحلیل انتشار حکم محکومیت در حقوق کیفری ایران از نگاه فلسفه کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، تهران.

۱۴. رستمی، هادی، ۱۳۹۱، رساله دکتری کیفر در نظریه لیبرالیسم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. شاملو، باقر، گوزلی، مهدی، ۱۳۹۰ «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، علیه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰، شماره ۲.
۱۶. شاملو، باقر، گوزلی، مهدی، ۱۳۹۰، «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲.
۱۷. صفاری، علی، ۱۳۹۲، «مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، چاپ دوم، انتشارات جنگل، تهران.
۱۸. صفاری، علی، ۱۳۹۶ «کیفرشناسی»، نشر جنگل، چاپ ۳۱، تهران.
۱۹. صلاحی، جاوید، ۱۳۹۵، کیفرشناسی، چاپ چهارم، نشر میزان، تهران.
۲۰. فرج الهی، رضا، ۱۳۸۹، کتاب جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۲۱. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، ۱۳۹۵، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ ۵۳، تهران، انتشارات میزان.
۲۲. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، ۱۳۹۷، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ پنجم و پنجاه و نشر میزان، تهران.
۲۳. قویدل، محمدحسین، ۱۳۸۹، حبس در پرتو اهداف و ویژگی‌های کیفر، مجله دادرسی، شماره ۷۹.
۲۴. قویدل، محمدحسین، ۱۳۸۹، حبس در پرتو اهداف و ویژگی‌های کیفر، مجله دادرسی، شماره ۷۹.
۲۵. کاپلستون. فردریک پارلز، ۱۳۹۳، تاریخ فلسفه از بن‌تام تا راسل، جلد هشتم، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، چاپ هفتم، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی، تهران.
۲۶. کاتینگهام، جان، ۱۳۷۶، «فلسفه مجازات»، ترجمه محمدرضا مظفری، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۱۲، تهران.
۲۷. کارلا، سرنا، ۱۳۶۳، مردم و دیدنی‌های ایران، (سفرنامه مادام کارلا سرنا)، ترجمه غلامرضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
۲۸. گودرزی، محمد، ۱۳۸۴، مطالعه و عملیات سازی جایگزین‌های مجازات حبس با هدف زندان زدایی، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۴۳.

۲۹. م. ن. ۱۳۶۴. زندان در فقه اسلامی: تاریخچه زندان در اسلام، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۲۵، شماره ۸.
۳۰. محسنی، علی، ۱۳۸۷، آسیب‌شناسی مجازات زندان و حبس، مجله دادرسی، شماره ۶۷.
۳۱. محمدنسل، غلام‌رضا، ۱۳۸۷، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، ناجا، تهران.
۳۲. محمدی، مهدیه، ۱۳۹۸، خبرگزاری ایران مهر، «وضعیت زندانیان در پنج سال اخیر/رشد سه درصدی جبران شد»، ۱۳ تیر، کد خبر ۴۶۵۷۳۸۰.
۳۳. معلمی، حسن، ۱۳۹۶، فلسفه اخلاق، چاپ سوم، انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، قم.
۳۴. موحدی، محمدجواد، گلزار اصفهانی، مژگان، ۱۳۹۰، مقاله علمی پژوهشی «نقد و ارزیابی وظیفه‌گرایی»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۴، شماره ۴.
۳۵. میرزایی مقدم، مرتضی، ۱۳۸۹ مقاله «ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶.
۳۶. نیازپور، امیرحسین، ۱۳۸۷، بزهکاری به عادت: از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران، فکر سازان.
۳۷. نیگل، تامس و غیره (۱۳۹۲)، دانشنامه فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء الله رستمی، چاپ اول، انتشارات صوفیا، تهران.
۳۸. واقفی، مریم، ۱۳۹۰، «مطالعه حقوقی - جرم‌شناسی مرحله پساکیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.
۳۹. وایت. راب، هینر. فیونا، ۱۳۹۴، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی. چاپ هفتم، انتشارات حوزه و دانشگاه تهران.
۴۰. هولمز، رابرت ال، ۱۳۹۸، مبانی فلسفی اخلاق، چاپ پنجم، نشر ققنوس، تهران.
41. Duff, Anony (2001), punishment, communication and community, Oxford University.
42. Duff, Antony & Garland, David, 1994 a reader on Punishment, Oxford university.
43. Jeffri G. Murphy, 1987 .|Does Kant Have a \Theory of Punishment, Collumbia law review, vol. 87
44. John Rawls, 1999. A Theory of justice, Oxford university.
45. Kant, Emmanuel, 1999, Metaphysical Elements of Justice, Translated by John Ladd, Indianapolis, Hackett, Publishing company.
46. Lyons, David, 1971-1972, *Logic and Coercion in Bentham's theory of Law*, in: Cornell Law Review, No. 57.

47. Russ Versteeg, Early Mesopotamian Law 127 - 128 (2000); Colin Wilson, A criminal history of mankind 105 (2nd ed, 2005).
48. Spielthener, George, (2005), "Consequentialism or Deontology?" philosophin, philosophical quarterly of Israel, 33 (1-4): 219.